

## مؤلفه‌های ارزش اجتماعی از منظر اهل بیت علیهم‌السلام

تسخیر فاطمه<sup>۱</sup>، مریم محمودزاده<sup>۲</sup>

### چکیده

ارزش‌ها از مهمترین مباحثی است که در برقراری نظم اجتماعی، توجه جامعه‌شناسان را به خود جلب کرده است. ارزش‌های اجتماعی در جامعه اسلامی از دین و آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام گرفته می‌شود. ارزش‌های دینی در نظام ارزشی جامعه دینی از ضروری‌ترین ارزش‌هاست و هدف اصلی در زندگی، عملی ساختن آموزه‌های دینی در رفتارهای فردی و اجتماعی است. در پژوهش حاضر به روش کتابخانه‌ای و با رویکرد تحلیلی-توصیفی انجام شده و نتایج آن بیانگر این است که مؤلفه‌های ارزش اجتماعی از منظر اهل بیت علیهم‌السلام در قالب هشت مورد کلی وحدت و یگانگی، روابط برپایه صمیمیت و خوش‌گمانی، قانون‌گرایی، امنیت اجتماعی، دیگرخواهی و حس انسان‌دوستی، همسانی مردم با حاکمان، تشویق نیکوکاران، آمادگی و پیشگیری از حوادث اجتماعی بیان شده است.

**واژگان کلیدی:** مؤلفه‌ها، ارزش اجتماعی، اهل بیت علیهم‌السلام، ارزش‌ها در

احادیث.

### ۱. مقدمه

بشر به دلیل محدودیتی که دارد قادر به طراحی نظام جامع ارزش‌های اجتماعی نیست. نقش کارکردی ارزش‌ها در برقراری نظم اجتماعی بر کسی پوشیده نیست. جوامع سنتی و صنعتی با جهت‌دهی به ارزش‌های مورد نظر خود تلاش می‌کنند تا نظام اجتماعی مستقلی برای حفظ

۱. دانش پژوه کارشناسی ارشد فقه خانواده، از کشور هندوستان، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۲. طلبه سطح چهار تاریخ و سیره اهل بیت علیهم‌السلام، جامعه الزهراء علیها‌السلام، قم، ایران.

نظم و امنیت جامعه ایجاد کنند. این مهم در جوامع اسلامی براساس آموزه‌های قرآنی و روایی اهل بیت علیهم‌السلام دنبال می‌شود. ارزش در لغت به معنای شایستگی و قابلیت است. (دهخدا، ۱۳۳۷) ارزش‌ها حقایقی واقعی هستند که در جوامع گوناگون دیده می‌شوند (صانعی، ۱۳۷۲، ص ۴۸). ارزش‌های اجتماعی، ارزش‌های خلق شده در جامعه بشری بوده و در جامعه‌ای نسبت به جامعه دیگر متفاوت هستند. این بدان معنی نیست که ارزش مطلق وجود ندارد و تمام ارزش‌ها نسبی هستند؛ زیرا بسیاری از ارزش‌های بشری با وحی دریافت شده‌اند و در دایره ارزش‌های وحیانی نسبت معنا ندارند. آنچه با وحی به بشر می‌رسد در تمام جوامع بشری بدون در نظر داشتن نژاد، ملیت و عقاید، قابل پیاده شدن است و به صورت مطلق وجود دارد. در اسلام، ارزش‌های ثابتی وجود دارد که با تحولات اجتماعی دگرگون می‌شود. ارزش‌های اجتماعی نیز با معیار دینی سنجیده می‌شود و در صورت عدم معارضه با اسلام رواج می‌یابد. برای مثال، اصل حجاب و رعایت آن در اسلام بیان شده است، اما اینکه چه نوع لباسی ارزش اجتماعی پیدا کند بستگی به سطح فرهنگی جامعه، پیروی و همنوایی کنشگران اجتماعی با آن دارد. از این رو می‌توان آن را از ارزش‌های اجتماعی غیر ثابت دانست. واقعیت این است که در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام نظام ارزش‌های اجتماعی با وحی نازل می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: «ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد و پذیرا گردد یا ناسپاس» (انسان: ۳). امام صادق علیه‌السلام درباره راه‌های درستی که انسان را به سعادت می‌رساند، می‌فرماید: «صراط دنیا همان امامی است که اطاعتش واجب است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۳/۱۱).

درباره مؤلفه‌های ارزش اجتماعی از منظر اهل بیت علیهم‌السلام تألیف مستقلی یافت نشد، اما کتابی به نام ارزش‌های اجتماعی از منظر قرآن کریم اثر سید حسین شرف‌الدین، توسط سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در سال ۱۳۹۶ چاپ شده است. با توجه به نام کتاب می‌توان دریافت که ارزش‌های اجتماعی فقط از منظر قرآن بررسی شده‌اند. همچنین مقاله شیوه‌های انتقال ارزش‌های اجتماعی از منظر قرآن و حدیث، نوشته سید میرصالح حسینی جبلی در فصلنامه علمی-پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی، سال ششم، شماره

سوم، در زمستان ۱۳۹۷ چاپ شده است که به بیان چگونگی انتقال ارزش‌های اجتماعی از راه یادگیری، هنجارسازی، ایجاد محبت، ازدواج و... می‌پردازد. از آنجا که جامعه اسلامی به واسطه ارزش‌های اجتماعی شکل می‌گیرد ضروری است تا مؤلفه‌های ارزش اجتماعی از منظر اهل بیت علیهم‌السلام بررسی شود.

## ۲. بیان مؤلفه‌ها

### ۱-۲. وحدت و یگانگی

شاید روشن‌ترین موضوع، برای نوع اجتماعات بشری، موضوع وحدت، یگانگی، یکدلی و یکرنگی است که به ظاهر و در مقام سخنرانی مورد قبول همگان است و نیاز به استدلال و برهانی ندارد، ولی از همین نقطه بسیار روشن، همواره اجتماعات و افراد دچار اشتباهاتی شده، تفرقه‌گرایی‌ها و وحدت‌شکنی‌ها کرده‌اند. انسان‌ها همواره وحدت و یکپارچگی را مایه بقا، پایداری و رشد اجتماعی می‌دانند و شگفت اینجاست که همواره آن را زیر پا می‌نهند. شاید علت اصلی این است که وحدت‌ها و یکدلی‌ها اصولی نیست و در خرد و اندیشه و باور انسان‌ها جا نیفتاده است یا اینکه در مثال‌ها، نمونه‌ها و مصداق‌های آن دچار سرگردانی و اشتباه می‌شوند یا اینکه وقتی پای منافع فردی یا گروهی و طبقه‌ای پیش می‌آید، مصالح اجتماعی فدا می‌شود. امام علی علیه‌السلام به روایت امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «رشته یگانگی را نگسلید که شکست می‌خورید و آوازه (و شوکت) شما از میان می‌رود. بر این اصل (همبستگی) و اتحاد کارهاتان را بنا نهید و بر این راه پایدار باشید» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ۱۰۲/۲).

آن حضرت همچنین فرمود: «در سرگذشت مؤمنانی که پیش از شما زندگی می‌کردند ژرف بنگرید و ببینید که چگونه آقای جهان بودند تا وقتی که گروه‌ها با هم بودند و دل‌ها به هم پیوسته بود و قلب‌های آنها تعادل (سازواری و همسویی) داشت و دست‌های آنها مددکار یکدیگر و شمشیرها آخته برای یاری هم و اراده و آهنگشان یکی (و یگانه) بود». (صبحی صالح، ۱۴۱۴، ص ۲۹۲) امام در این سخن جاودانه به اصول و معیارهایی حیاتی اشاره می‌کند که در هر

اجتماع صالح، شایسته و زنده‌ای که در راه رشد متعالی گام برمی‌دارد باید وجود داشته باشد. گروه‌های اجتماعی با هم و در کنار یکدیگر، آرا و افکار با هم هماهنگ، دل‌ها متعادل و همسو، دست‌ها در دست هم و کمک‌کار یکدیگر، قدرت‌ها بسیج شده و به یاری هم و در برابر دشمن مهاجم، اراده‌ها یکی و یک جهت. این سرشت‌های اجتماعی ریشه‌دار و انگیزه‌های گروهی استوار، ابزار و راه شایسته‌سازی گروه‌ها و افراد و عامل پایداری و سربلندی آنهاست. همین‌ها سبب دستیابی جامعه به تمام حقوق مادی و معنوی خویش خواهد بود و همین ویژگی‌ها انگیزه تلاش و کوشش مردم و زمینه‌ساز دگرگونی و انقلاب برای ویران کردن ناراستی‌ها و ناهنجاری‌ها می‌شود و راه پیشرفت‌های بزرگ را هموار می‌کند. همچنین موجب می‌شود که تمدنی گسترده در سراسر زمین بیابد و حق و عدالت را در همه جا حاکم و برابری میان انسان‌ها را برقرار کند و آزادی انسان‌ها را از هر گروه و طبقه و عقیده‌ای والا بدارد و زمین را از نمونه‌های والای فضیلت‌ها و خوشبختی‌ها و انسانیت‌ها سرشار سازد. بنابراین، لازم است که عالمان بیدار، جامعه‌شناسان متعهد، مربیان اخلاق و تربیت، مصلحان، رهبران، دولتمردان و دیگر آگاهان، جامعه را نخست با این معیارها آشنا و این معیارهای متعالی را در درون دل و اندیشه افراد نهادینه کنند تا در جامعه عملی شود و تحقق یابد. اجتماعی صالح و انسانی و شایسته دوام، بقا، نظم و استواری است که وحدت و یکدلی را در اندیشه و عمل بپذیرد و عوامل آشکار و پنهان و مادی و معنوی تفرقه و جدایی را خوب بشناسد و در عمل از آنها دوری کند و خود فردی و شخصی را در برابر خود اجتماعی و گروهی فدا کند.

## ۲-۲. روابط بر پایه صمیمیت و خوش‌گمانی

روابط اجتماعی در جامعه از منظر اهل بیت علیهم‌السلام بر پایه صمیمیت و خوش‌گمانی استوار است و مردم نسبت به یکدیگر نگرشی سالم و انسانی دارند. کارهای یکدیگر را نیک و انسانی می‌شمارند و هر جا توجیهی شرعی و عقلی برای رفتاری وجود داشته باشد جایگاهی غیر شرعی و نادرست به آن نمی‌دهد. این امر، زمینه همکاری‌ها را بیشتر فراهم می‌کند، پیوندهای اجتماعی را

استواری بیشتری می‌بخشد و از نفوذ اندیشه‌های شیطانی و تفرقه‌افکن مانع می‌شود و در نتیجه در طبقات و گروه‌ها شکافی پدید نمی‌آید. امیرالمومنین علی علیه‌السلام می‌فرماید: «کار برادر دینی خود را به بهترین وجه توجیه کن، مگر اینکه قرینه‌ای دلالت کند بر اینکه نظر تو درست نبوده است. هیچ‌گاه کلمه‌ای را که برادر و دوستت بر زبان آورده است تاجایی که می‌شود آن را به خوبی توجیه کرد، بد توجیه مکن» (کلینی، ۱۴۰۷، ۳۶۲/۲). امام صادق علیه‌السلام نیز می‌فرماید: «ریشه خوش‌گمانی انسان به اشخاص، ایمان درست و دل سالم است و نشانه آن این است که هر چه را می‌نگرد با دید پاکی و خوبی بنگرد». پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «نسبت به برادران مؤمن خود خوش‌گمان باشید تا به این وسیله دارای قلبی پاک و سرشتی پاکیزه شوید» (گیلانی، ۱۴۰۰، ص ۱۷۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۹۶/۷۲). همچنین امام هادی علیه‌السلام در این مورد می‌فرماید: «هرگاه زمانه‌ای باشد که عدالت بر ستمگری (و خوبی بر بدی) غلبه دارد گمان بد بردن نسبت به کسی روا نیست مگر اینکه بدی او معلوم گردد و هرگاه زمانه غلبه ستمگری بر عدالت (و بدی بر خوبی) باشد، خوش‌گمانی نسبت به کسی روا نیست مگر نشانه‌های خوبی در کسی پیدا باشد» (حلوانی، ۱۴۰۸، ص ۱۴۲).

### ۲-۳. قانون‌گرایی

احادیث و تعالیم بسیار گویا و گوناگونی در اهمیت قانون‌گرایی وجود دارد. برخی از این تعالیم و احادیث نخست به سراغ افراد می‌رود و از افراد می‌خواهد که خود را در چارچوب قوانین محدود کنند و در اندیشه و عمل، قانون‌گرا باشند تاجایی که قانون شکنی در فکرشان نیز خطور نکند و به حق تن دهند اگرچه به زیانشان باشد. دیگر اینکه از نظر روحی، خود را حق‌پذیر بار آورند و از هیچ سخن حقی سر باز زنند و آن‌گاه که در برابر حقوق دیگران قرار می‌گیرند تنها تسلیم حق و قانون باشند. در هیچ حالتی و با پدید آمدن هر نوع منافع شخصی یا خشم و ناگواری از چارچوب حق گامی فراتر نهند. در اجرای قانون و احقاق حقوق مردمان نیز زیاده‌روی نکنند. هر چه را قانون مشخص کرده است، بگیرند یا از مردم بخواهند نه بیشتر نه کمتر. اشخاص، افراد، منزلت و جایگاه

فردی یا پایگاه اجتماعی یا قدرت ظاهری دیگران موجب نشود که قانون را کنار بگذارند یا از قدرت و صلابت آن بکاهند و آن را به سود اشخاصی توجیه کنند. دشمنی‌ها، دوستی‌ها، آشنایی‌ها و بیگانگی‌ها از قدرت قانون نکاهد و قانون را کم‌رنگ و بی‌تأثیر نکند. نه دشمنی‌ها موجب اجرای قانونی قوی‌تر و شدیدتر و نه دوستی‌ها سبب کم‌رنگ شدن قانون شود.

نباید افراد و منافع گروهی و شخصی در این موضوع راه یابد. باید در برابر قانون تسلیم باشند و مظلوم را مظلوم و ظالم را ظالم بشناسند. اگرچه مظلوم از ضعیف‌ترین و ناتوان‌ترین طبقات اجتماعی و ظالم از نیرومندترین و بانفوذترین طبقات باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «باتقواترین مردم کسی است که سخن حق را بگوید، به سود او باشد یا به زیان او» (شیخ صدوق، ۱۳۷۶، ص ۲۰). آن حضرت در جای دیگر می‌فرماید: «سه خصلت در هرکس باشد ایمان خود را به کمال رسانده است: هرگاه خشنود بود خشنودی، او را به راه باطل نکشاند، وقتی خشمگین شد خشم، او را از چارچوب حق بیرون نبرد و هرگاه به قدرت رسید عهده‌دار چیزی نشود که در اختیار او نیست (و بیش از توان خود، شغل و مسئولیتی قبول نکند و شعار پوچ ندهد)» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲/۲۳۹). رسول خدا صلی الله علیه و آله همچنین می‌فرماید: «هرکس در اجرای حدی اندازه نگاه ندارد از تجاوزکاران است» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۴۳). در جای دیگر فرمود: «مؤمنان مانند دندان‌های شانه با هم مساویند و همه، حقوقی برابر دارند و فقط و فقط با اعمال خوب خود، یکی بر دیگری برتری می‌یابد» (نوری، ۱۴۰۸، ۸/۳۲۷).

در روایت آمده است: «زنی را -دارای شخصیت خانوادگی- نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آوردند که دزدی کرده بود. پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد دست او را ببرند. گروهی از طایفه قریش (طایفه زن) نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند: ای پیامبر خدا! بر زن باشخصیتی چون فلانی در کاری کوچک، حد جاری می‌کنی؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آری! زیرا که ملت‌های پیشین از همین جا سرنگون شدند که قانون حدود و کیفر را درباره ضعفا و ناتوانان اجرا می‌کردند و قدرتمندان و اشراف را معاف می‌داشتند. بدین دلیل نابود گشتند». (ابن حیون، ۱۳۸۵، ۲/۴۴۲) حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «همیشه حق را رعایت کنید تا به نجات و سعادت فردی و اجتماعی دست یابید» (تمیمی

آمدی، ۱۴۱۰، ص ۱۵۰). امیرمؤمنان در جای دیگر می‌فرماید: «از حقوق و وظایف واجب الهی بر بندگان این است که به اندازه توان خود، خیرخواه و راهنمای یکدیگر باشند و برای اجرای حق در میان خود به هم کمک کنند» (صبحی صالح، ۱۴۱۴، ص ۳۳۴). امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «امیرمؤمنان روزی محاسن خویش به دست گرفت، سپس گفت: سوگند به خدا، این (محاسن) از خون این (سر) رنگین خواهد شد و با دست به سر و ریش خود اشاره کرد. گروهی که آنجا حضور داشتند، گفتند: هرکس با امیرالمؤمنین چنین کند خانواده‌اش را نابود می‌کنیم. امام علی علیه السلام گفت: وای! وای! این همان ستمکاری است؛ در قانون قصاص، فرد در برابر فرد قرار دارد، چنان‌که خداوند بزرگ فرموده است؛ (نه اینکه متعرض خانواده قاتل بشوند)» (ابن حیون، ۱۳۸۵، ۴۰۴/۲).

در تمام جامعه‌های غربی (که تمدنی صنعتی است نه انسانی) و در تمدن‌های دیگر - در همه تاریخ - یک مورد برای نمونه مانند این روش، قانون اجرا نشده است با این همه ادعا و تبلیغات فریبکارانه حقوق بشر و سازمان‌های دفاع از حقوق انسان که دارند. در جامعه‌های صالح از منظر اهل بیت علیهم السلام قانون‌گرایی در همه بخش‌های اجتماعی حاکم است و حاکمان و زمامداران نیز خود را در چارچوب قانون محدود و به مردمان گوشزد می‌کنند که میان دولت‌مردان و توده مردم، تنها قانون حکم‌فرماست و هیچ مقام و قدرتی بیش از محدوده قانون، حقی بر کسی ندارد و نمی‌تواند انتظاری و مطالباتی افزون بر قانون داشته باشد. این روش است که جامعه و انسان‌های جامعه را به صلاح می‌آورد و به شایستگی می‌رساند. در چنین اجتماعی، قانون‌گرایی، مسئله‌ای عمومی است؛ یعنی همه مردم در اجرای قانون و حق‌خواهی، دستیار و کمک‌کار یکدیگر هستند.

## ۲-۴. امنیت اجتماعی

در پرتو اخلاق انسانی و ارزش‌گرایی و قانون‌پذیری دقیق، جامعه به امنیتی فراگیر و استوار دست می‌یابد. امنیتی که بستر مناسب رشد اقتصادی، علمی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و

هنری است و نیز موجب آسایش افراد و برخورداری از سلامت روان و تن می‌شود. چون افراد، اطمینان دارند به حقشان می‌رسند و سود کارها و تلاش‌های آنها نصیب خودشان می‌شود و مورد تهاجم و دستبرد قرار نمی‌گیرند. امیرالمؤمنین می‌فرماید: «و جناه ایدیهم، لا تکنون لغير أفواههم؛ هرچه خود چیده‌اند باید خود بخورند» (صبحی صالح، ۱۴۱۴، ص ۳۵۳). در این صورت به هر کار و تلاشی دست می‌زنند و هرچه را دارند در خلاقیت و فن‌آوری و سرمایه‌های اقتصادی در جامعه سرمایه‌گذاری می‌کنند و نه فرار مغزها پیش می‌آید نه فرار سرمایه‌ها و... رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «در وطن آسایشی نیست جز با امنیت» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ۱۷۹/۲۶)، پس وظیفه حاکمیت‌هاست که امنیت را برای همه مردم برقرار کنند: امنیت نظامی، امنیت قضایی، امنیت اقتصادی و...

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «در وطن، جز با امنیت، آسایش خاطری نیست». (مفید، ۱۴۱۴، ص ۲۴۴) امام صادق علیه السلام نیز در این مورد می‌فرماید: «نعمت دنیا، امنیت است» (شیخ صدوق، ۱۴۰۳، ص ۴۰۸). آن حضرت در جای دیگر می‌فرماید: «مردمان به سه چیز نیاز دارند: امنیت، عدالت، و فوور نعمت» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۳۲۰). برای ایجاد امنیت اجتماعی باید امنیت کار، صنعت، کشاورزی، اظهار نظر سیاسی، عرضه آثار هنری و... وجود داشته باشد و هرکس مالک حاصل تلاش خویش شود و کسی با تجاوز و زورگویی یا خیانت، حریم دین، جان، مال و مرز فعالیت‌های اقتصادی دیگران را نشکند و به حاصل کار دیگران تجاوز نکند. امام صادق علیه السلام همچنین می‌فرماید: «هرکس از راه ظلم به مال برادر خود (مال دیگران) دستبرد بزند و آن را به او بازگرداند پاره‌ای از آتش جهنم به خورد او خواهند داد» (کلینی، ۱۴۰۷، ۳۳۳/۲). چنین اجتماعی با هرگونه امنیت می‌تواند استوار باشد، پایدار بماند و دلگرمی لازم را برای کار، تلاش، تولید و توزیع داشته باشد و در برابر حوادث و نوسانات مقاومت کند و با تهاجم خارجی نابود نشود. در برخی منابع از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «لولا لم تغلُّ أمتی، لم یقُم لها عدوُّ أبداً؛ اگر خیانت و نیرنگ در میان مسلمانان نباشد دشمن نمی‌تواند به ایشان صدمه‌ای بزند» (متقی، ۱۳۶۴، ۳۸۶/۴).



## ۲-۵. دیگرخواهی و حس انسان دوستی

احساس دیگرخواهی و حس انسان دوستی از منظر اهل بیت علیهم السلام سرشتی عمومی است و احساس یگانگی و یکرنگی در میان مردم، همگان را به مدد رسانی به یکدیگر وامی دارد و موجب از بین رفتن نیازها و رفع کمبودها می شود. بر اساس تعالیم انسانی اسلام، مدد رسانی و یاری مردمان در تنگناها و مشکلات اقتصادی و اجتماعی، ضرورتی حیاتی و تکلیفی الهی- انسانی است و پاداش آن بالاتر از حد تصور است و با سال ها نماز و روزه برابری می کند. کمک رسانی، بهترین عامل کمال روحی و تکامل معنوی است. افزون بر اینکه جامعه را از ورطه تحقیر پذیری و انواع نابسامانی ها رهایی می بخشد. ابن عباس می گوید: «با حسن بن علی علیه السلام در خانه خدا بودم و او در حال اعتکاف بود و کعبه را طواف می کرد که مردی از پیروان او پیش آمد و گفت: ای فرزند پیامبر به فلانی بدهکارم، اگر صلاح میدانی این دین را بپرداز. امام علیه السلام فرمود: سوگند به خدای این خانه، اکنون چیزی ندارم! (سائل) گفت: اگر ممکن است از او (بستانکار) برای من مهلت بگیر؛ زیرا که مرا به زندان تهدید کرده است! ابن عباس می گوید: در این هنگام امام علیه السلام طواف را رها کرد و با این مرد روان شد. من به امام حسن علیه السلام گفتم: فرزند پیامبر! فراموش کردی که در حال اعتکاف هستی؟ امام علیه السلام فرمود: نه، ولی از پدرم شنیدم که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: هر کس حاجت مؤمنی را برآورد، چنان است که خدای متعال را نه هزار سال عبادت کرده است در حالی که روزها روزه دار و شبها در نماز بوده است» (نوری، ۱۴۰۸، ۵۶۵/۷).

امام حسن علیه السلام همچنین - به روایت امام رضا علیه السلام از پدرانش، از امام علی بن حسین علیه السلام در بیان اوصاف پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «برترین مسلمانان نزد پیامبر کسی بود که بیشتر از همه خیرخواه مسلمانان بود و محترم ترین مسلمانان نزد او کسی بود که بهتر از همه به کمک رسانی و مددکاری دیگران می پرداخت». (شیخ صدوق، ۱۴۰۳، ص ۸۲) امام باقر علیه السلام نیز می فرماید: «مؤمنان در نیکی کردن، مهربانی و دلسوزی نسبت به یکدیگر مثل یک تن واحدند که اگر جایی از آن دردمند شود باقی جاها دچار بیداری و تب و سوز می شوند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۳۴/۷۱). امام رضا علیه السلام در این مورد می فرماید: «خداوند، توانمندان را مکلف کرده است تا برای اداره امور بیماران

زمینگیر و دیگر مبتلایان اقدام کنند» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ۸/۲). مدرسانی و اصل تعاون اجتماعی، اصلی قرآنی است و در مواردی که ضرورت‌ها و نیازهای لازم در کار باشد تکلیف واجب شرعی است و در مواردی که ضرورتی در کار نیست کمالی اخلاقی و انسانی است و باعث بهتر شدن زندگی انسان‌هاست. این، واجب کفایی است و اگر کسانی بدان اقدام نکنند واجب عینی می‌شود؛ یعنی بر همه کسانی که امکاناتی دارند، واجب می‌شود (حکیمی، ۱۳۹۱، ۴۴۴/۹).

## ۲-۶. همسانی مردم با حاکمان

از ویژگی‌های جامعه‌های صالح و بسامان، هم سطحی و همانندی زندگی مردم با طبقه حاکم است؛ یعنی چنان که دولتمردان در جامعه‌های صالح و اسلامی، قانون‌گرا و متعهدند مردم نیز تن به قوانین می‌دهند. بنابراین، آن‌گاه که در اجتماعی، دولتمردان قانون‌شکن باشند و از روابط استفاده کنند و به ضوابط توجه نکنند مردم نیز چنین خواهند بود. چون اگر نوع مردم، متعهد و قانون‌گرا باشند دولتمردان نیز مجبورند قانون را اجرا کنند. این همسانی و همسویی به‌طور طبیعی میان جامعه و طبقه حاکم وجود دارد و مردمان به همان‌گونه که هستند و بدان‌سان که می‌اندیشند و رفتار می‌کنند بر آنها حکومت می‌شود و حاکمان نیز از همان راه می‌روند. می‌توان گفت که شایستگی و صلاح توده‌های مردم در شایسته‌سازی دولتمردان بی‌تأثیر نیست و این به دو دلیل است: نخست اینکه دولتمردان نیز از متن ملت هستند و خوی و خلق‌های مردم را دارند و با همان ویژگی‌ها وارد جرگه حاکمیت می‌شوند؛ دوم اینکه حاکمان مجبورند از راهی بروند که توده مردم می‌روند و شیوه‌ای را برگزینند که مردمان می‌خواهند. (حکیمی، ۱۳۹۱، ۴۴۵/۹) از قول سلمان نقل شده است: «پیامبر ﷺ در جمع اصحاب خود (به‌طور عادی) می‌نشست و اگر بیگانه‌ای وارد جمع می‌شد، نمی‌فهمید پیامبر ﷺ کدام یک از آنهاست» (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۱۶). یکی دیگر از مسائل بسیار مهم در مورد جامعه‌ها و حکومت‌های صالح که در کلام امام علی علیه السلام به‌صراحت گفته شده، هم سطح زندگی حاکمان با توده‌های مردم، بلکه با ضعیف‌ترین آنهاست. آن حضرت می‌فرماید: «خداوند متعال واجب

کرده است بر حاکمان برحق و صالح که مانند ضعیف‌ترین مردم زندگی کنند تا مردم فقیر و محروم، فشار زندگی را حس نکنند» (صبحی صالح، ۱۴۱۴، ص ۳۲۵). باید همه جامعه با سطحی متناسب و مساوی زندگی کنند، از تجمل و اسراف بپرهیزند و حاکمان، تجمل‌گرا و رفاه‌طلب (بیش از حد ضعفای جامعه) نباشند و این دستور امام علی علیه السلام است که درباره روش زندگی حاکمان فرموده است.

## ۲-۷. تشویق نیکوکاران

از منظر اهل بیت علیهم السلام تشویق و پاسداشت درست و دقیق در مورد کارهای شایسته انجام می‌شود و خدمتگزاران و شایستگان، تقدیر می‌شوند. این تشویق درست و هدفدار، زمینه ساز رشد، تکامل و پیشرفت نیروهای ارزنده و کارآمد خواهد شد. شرایط و امکانات نیز در اختیار گروه‌ها و افرادی قرار می‌گیرد که لیاقت و شایستگی بیشتری دارند و امتیازات طبقاتی و ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... موجب تقدیر و تشویق نابه‌جای فرد یا افراد نمی‌شود، بلکه تشویق‌ها ضابطه‌مند است و براساس شایستگی‌ها و مهارت‌ها صورت می‌پذیرد و هیچ‌گاه روابط و امتیازات موجب جلب و جذب کم‌ترین سپاسی و تشویقی نخواهد بود. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «امیدهای مردم را برآورده ساز و همواره آنان را ستایش کن و کارهایی را که مردم سختکوش انجام داده‌اند یکی یکی یاد و تعریف کن که این خود، مردان کاری را بیشتر به کار برمی‌انگیزد و سرپیچان ترسو را به کار وامی‌دارد و قدر تلاش‌های هرکس را بدان و هرگز سخت‌کوشی کسی را به حساب دیگری مگذار و در پاداش دهی به او به فراخور تلاشی که کرده است، کوتاهی مکن و مبادا شخصیت کسی موجب شود که کار اندک او را بزرگ شماری و گمنامی کسی تو را وادارد که کوشش بزرگ او را کوچک انگاری» (صبحی صالح، ۱۴۱۴، ص ۴۳۴). این ویژگی در جامعه‌های شایسته، بسیار حیاتی و زمینه‌ساز شایستگی‌های روزافزون است.

## ۲- ۸. آمادگی و پیشگیری از حوادث اجتماعی

آمادگی برای رویدادها و پیشگیری از حوادث اجتماعی، یکی دیگر از مؤلفه‌های ارزش اجتماعی از منظر اهل بیت علیهم‌السلام است. جامعه‌های صالح برای رویارویی با انواع رویدادها، آمادگی لازم را دارند و از حوادث اجتماعی پیشگیری می‌کنند. جامعه صالح هیچ‌گاه نمی‌نشیند تا حوادث روی آورد و او در بی‌خبری باشد، بلکه همواره از حوادث -پیش از وقوع- جلوگیری می‌کند و با آنها مقابله می‌کند. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «پیش از اینکه دشمن به شما حمله کند، شما به دشمن حمله‌ور شوید (تا کشتار کمتر شود)» (کلینی، ۱۴۰۷، ۵/۵). همچنین فرمود: «به خدا سوگند، هیچ ملتی ننشست تا دشمن پا به خاک او گذاشت مگر اینکه دلیل گشت (و شکست خورد)» (کلینی، ۱۴۰۷، ۵/۵). امام حسین علیه‌السلام در سخن معروف خود می‌فرماید: «هیئات مَنَّا الذَّلَّةُ؛ ما و ذلت، هرگز» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۲۴۱). آن حضرت در جای دیگر می‌فرماید: «ما جانبازی مردانه را بر اطاعت از نامردان ترجیح می‌دهیم» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۲۴۱). حماسه حق، همیشه مقدس‌ترین حماسه‌هاست که به حضور انسان معنی می‌دهد و همیشه باید انسان‌های حق‌باور، بزرگ‌ترین حماسه‌داران باشند. این ویژگی برخاسته از هوشیاری، بیداری، عقل‌گرایی و حسابگری در جامعه‌های صالح است.

## ۳. نتیجه‌گیری

دین اسلام نیرومندترین عنصر تعیین‌کننده در نظام اجتماعی جوامع است که خط سیر کنش و اعمال افراد را در جامعه، نمایندگی، هدایت، کنترل و نظارت می‌کند. ارزش‌ها الگوی رفتاری ثابت و پایداری هستند که پیوسته از سوی افراد جامعه بازبینی، کنترل و نظارت می‌شوند. ارزش‌ها می‌توانند جامعه را به سمت پیشرفت سوق دهند و خدامحوری، حق‌گرایی و عدالت را به صورت ارزش‌های ثابت در جامعه فراگیر کنند. ارزش‌های اسلامی در تنظیم ساختارها و قوانین عدالت‌طلبانه به جامعه کمک می‌کنند و می‌توانند در یک جامعه اسلامی، سازمان و نهاد اجتماعی را به سمت ارزش‌های الهی سوق دهند به‌گونه‌ای که کسی نتواند به دیگر

انسان‌ها ظلم کند. مؤلفه‌های ارزش اجتماعی از منظر اهل بیت علیهم‌السلام که در مقاله حاضر به آنها اشاره شد عبارتند از: وحدت و یگانگی، روابط برپایه صمیمیت و خوش‌گمانی، قانون‌گرایی، امنیت اجتماعی، دیگرخواهی و حس انسان‌دوستی، همسانی مردم با حاکمان، تشویق نیکوکاران، آمادگی و پیشگیری از حوادث اجتماعی. بنابراین، اگر تناسب و تطابق بین ارزش‌های دینی و ارزش‌های اجتماعی ایجاد شود همگرایی و هم‌نوایی در جامعه به وجود می‌آید و بستر کاهش آسیب‌های اجتماعی را فراهم می‌کند.

### فهرست منابع

\* قرآن کریم

۱. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۳۷۶). الامالی. تهران: کتابچی.
۲. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۴۰۳). معانی الاخبار. محقق: غفاری، علی اکبر. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۴۱۳). من لایحضره الفقیه. محقق: غفاری، علی اکبر. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۳۸۵). دعائم الاسلام. مصحح: فیضی، آصف. قم: مؤسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام.
۵. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳). تحف العقول. قم: جامعه مدرسین.
۶. تیممی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰). غررالحکم و دررالکلم. محقق: رجایی، سید مهدی. قم: دارالکتاب الاسلامی.
۷. حکیمی، محمدرضا (۱۳۹۱). الحیاه. قم: دلیل ما.
۸. حلوانی، حسین بن محمد (۱۴۰۸). نزهه الناظر و تنبیه الخاطر. قم: مدرسه امام مهدی علیه‌السلام.
۹. دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۷). لغت‌نامه. تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. صالح، صبحی (۱۴۱۴). نهج البلاغه. قم: هجرت.
۱۱. صناعی، پرویز (۱۳۷۲). جامعه‌شناسی ارزش‌ها. تهران: گنج دانش.
۱۲. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰). مکارم الاخلاق. قم: الشریف الرضی.
۱۳. فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۰۶). الوافی. اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). اصول کافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۵. گیلانی، عبدالرزاق بن محمد هاشم (۱۴۰۰). مصباح الشریعه (منسوب به امام جعفر صادق علیه‌السلام). بیروت: علمی.
۱۶. متقی، علی بن حسام‌الدین (۱۳۶۴). کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال. بیروت: مؤسسه الرساله.
۱۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۸. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳). الاختصاص. محقق: غفاری، علی اکبر. قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید.
۱۹. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل. قم: مؤسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام.

